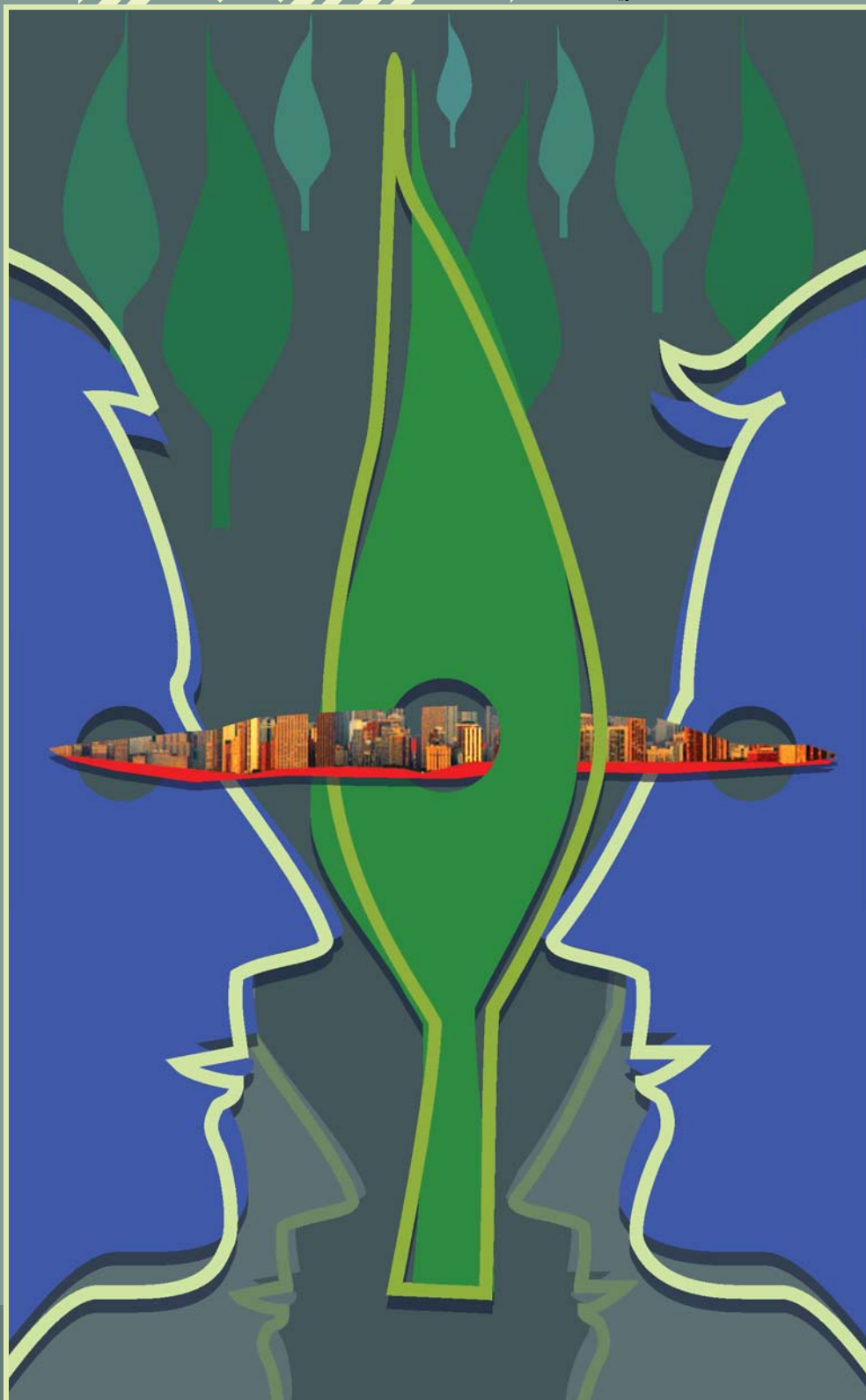




- فضای سبز عمومی، بستر تعامل اجتماعی
- بررسی عوامل موثر در حفظ و
- نگهداری پارک‌ها و فضای سبز
- بلایه تهران، پیشگام در بهداشت همگانی
- دولت یوروک، سبز در سبز
- یوروکرا تیک شدن شوراها
- پیاده در شهر
- ساختا آنا زاغه امروز، جاذبه دیروز
- مدیریت کیفیت، کلید موفقیت عمران شهری
- پیاده رو، گذری فراموش شده در شهر

فضاهای سبز بستر تعامل اجتماعی

کیانوش سوزنچی
کارشناس ارشد طراحی محیط

اقتصادی و اجتماعی شهرنشینان، تعادل اکولوژیک شهرها از دست رفت. تا پیش از آن شهرها جمعیت محدودی داشتند و بنیان زندگی و معیشت مردم بر تولید کشاورزی و دامی استوار بود و شهرها مرکز مبادلات این تولیدات و تأمین خدمات ساده آنها بودند. بدین ترتیب نوعی تعادل میان زندگی شهری و باغها و مزارع شهری که منبع درآمد و معیشت بودند، برقرار بود.

با تغییر ضرورت‌های تولیدی و افزایش جمعیت و ایجاد الگوهای جدید زندگی شهری نیاز به تأسیس نهادها، مؤسسه‌ها و سازمان‌های تولیدی و خدماتی در شهرها افزایش یافت. از آنجا که مکان‌یابی و استقرار این نهادها و مؤسسه‌ها در داخل شهر بر آسیب‌ها و مشکلات شهری می‌افزود، اینها رفته رفته به اطراف شهر و اراضی حومه که به طور عمده زمین‌های مرغوب زراعی و باغ‌ها بودند هدایت شدند و در نتیجه پیامدهای اقتصادی و اجتماعی دیگری ایجاد کردند. از سوی دیگر این نهادهای جدید شهری تعادل بازار عرضه و تقاضای زمین و مسکن را بر هم زدند. به عبارت دیگر تقاضا برای زمین‌را شدت بخشیدند و با وجود محدودیت عرضه زمین باعث گرانی زمین شدند و در نهایت افزایش ارزش افزوده فروش زمین‌ها برای مقاصد مسکونی و تجاری را افزایش دادند. در مقابل، کاهش ارزش افزوده تولید کشاورزی و باغداری باعث نابودی باغ‌ها و مزارع در شهرها و حومه آنها گردید.

از آن زمان به بعد، تعادل اکولوژیکی شهرها از میان رفته است. آلودگی‌های زیست محیطی و افزایش تراکم جمعیت، بیکاری شاغلان بخش کشاورزی و فقدان فضاهای سبز عمومی برای ایجاد زمینه‌های اجتماعی ارتباط و گذران فراغت شهرنشینان، بخشی از پیامدهای این تغییرات محسوب می‌شوند.

راضیه رضا زاده، عضو هیئت علمی گروه شهرسازی دانشگاه علم و صنعت، در توضیح پیامدهای اجتماعی و روانی قطع رابطه شهرها با طبیعت چنین می‌گوید: «تغییر ساختار اقتصادی از کشاورزی به صنعتی سبب شده است که زندگی مبتنی بر چرخه‌های طبیعی به زندگی متناسب با زمان

وجود اراضی کشاورزی و باغ‌ها در شهرها و کنار آنها چندان بدیهی می‌نمود که ایده شهر سبز تنها ممکن بود برای شهرهای کویری مورد توجه قرار گیرد. با این حال در این شهرها نیز همچون طبس و بم، با وجود محدودیت اقلیمی، عناصر سبز شهری جزء کالبد و شالوده آنها بود. به دنبال افزایش جمعیت و رشد شهرنشینی، شهرها به کانون تجمع‌های زیستی و فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی گسترده و متنوع تبدیل شدند و استقرار و تأسیس مؤسسه‌های صنعتی، تولیدی و تجاری در شهر و حومه آن سبب گردید که زمین‌های کشاورزی و فضای سبز طبیعی به تدریج تغییر کاربری داده شوند و شهرنشینان را با آلودگی‌های زیست محیطی و کمبود فضای سبز عمومی مواجه سازند.

از سوی دیگر افزایش شتاب زندگی مدرن شهری و فرهنگ «بی تفاوتی مدنی» شهرنشینان منجر به کاهش ارتباط و تعامل اجتماعی شهروندان با یکدیگر و غفلت از اهمیت فضاهای عمومی بستر ساز برای این تعامل‌های اجتماعی شده است. از این رو فضاهای سبز عمومی هم از دیدگاه تأمین نیازهای زیست محیطی شهرنشینان و هم از نظر تأمین فضای فراغتی و بستر ارتباط و تعامل اجتماعی آنان جایگاهی در خور اهمیت دارند. بنابراین منظور از فضای سبز شهری نوعی از سطوح کاربری زمین شهری با پوشش گیاهی انسان ساخت است که هم دارای بازدهی اجتماعی و هم دربردارنده بازدهی اکولوژیکی باشد. آنچه در ادامه گزارش می‌آید، گفت و گو با چند تن از کارشناسان شهری، طراحان، متخصصین و دست‌اندرکاران امور شهری است که اهمیت گسترش فضای سبز عمومی را در سلامت و ارتقای کیفیت زندگی شهرنشینان، به همراه نقش آن در بهبود کارکردهای اجتماعی و اقتصاد شهری مورد بررسی قرار داده است.

پس از انقلاب صنعتی و با تغییر ساختار معیشتی، جامعه کشاورزی به جامعه صنعتی تغییر شکل داد و به دنبال آن با مهاجرت‌های گسترده از روستا به شهر، جمعیت شهرها فزونی گرفت و به تبع آن با رشد بی‌رویه شهرنشینی و نیازهای



راضیه رضا زاده
عضو هیئت علمی گروه شهرسازی دانشگاه علم و صنعت

مکانیکی و ماشینی تبدیل شود. در این زندگی قراردادهای زمانی جایگزین ساعت طبیعی شده‌اند. این تغییر با آنکه افزایش کار و تولید و سرعت فعالیت‌ها را به همراه داشته‌است، با این همه پیامدهای روانی و اجتماعی آسیب‌ناختی نیز مانند دلزدگی، احساس تنهایی، خستگی مفرط، افسردگی و اضطراب و تنش‌های اجتماعی به وجود آورده‌است.

تحقیقاتی در کشور آمریکا صورت گرفته است که نشان می‌دهد بازده کار و میزان توجه و دقت افراد در محیط‌های کاملاً مصنوعی پایین‌تر از بازده کار در محیط‌های طبیعی و سبز است. محیط شهرهای قدیمی ایران از نظر نوع مصالح و نوع ساخت و ساز و قرارگیری باغ‌ها و باغچه‌های درون شهری و حومه شهر دارای هماهنگی درونی بودند و میزان آرامش، توجه و دقت افراد را افزایش می‌دادند. آن فضاها در عین حال که حجم اطلاعاتی را با تنوع بسیار در اختیار افراد قرار می‌دادند،

فضاهای سبز عمومی هم از دیدگاه تأمین نیازهای زیست محیطی شهرنشینان و هم از نظر تأمین فضای فراغت و بستربارتباط و تعامل اجتماعی آنان جایگاهی در خور اهمیت دارند

دارای وحدت و هماهنگی در کلیت خود - که متناسب با ذهن انسان است - بودند. به عبارت دیگر، طبیعت نظمی درون ذاتی دارد که گویی انسان آن را می‌فهمد و لذت می‌برد. از این رو آرمان شهرسبز یعنی شهری که رابطه تنگاتنگ با طبیعت داشته باشد.

از سوی دیگر کیومرث مسعودی، کارشناس اقتصاد و پژوهشگر امور شهری، شهر سبز را نوعی هدف استراتژیک و راهبردی می‌داند و معتقد است جهت‌گیری مدیران و برنامه ریزان شهری برای گسترش چنین فضاهای عمومی می‌تواند به ایجاد تعادل اکولوژیک در شهر بینجامد.

غلامرضا پاسبان حضرت کارشناس ارشد معماری، طراح پارک‌های جمشیدیه تهران و کوهسنگی مشهد، به تعبیرهای دیگری درباره شهر سبز اشاره می‌کند:

«۱- تأکید بر رنگ سبز، غلبه رنگ سبز در سطح شهر؛ زیرا رنگی است آرامش بخش و امید دهنده و به همین دلیل رنگ صلح نیز هست. به عنوان نمونه اخیراً در یک نظرخواهی از مردم بزم مشخص شده است که آنان رنگ سبز را بر همه رنگ‌های دیگر ترجیح می‌دهند.

۲- تأکید بر افزایش فضای سبز شهری یا به طور کلی به گیاهان در شهر.

ما ایرانیان که در کشوری کوهستانی و کویری زندگی می‌کنیم، طبیعی است که برای فضای سبز ارزش زیادی قائل شویم و شهر سبز را به مفهوم توسعه فضای سبز شهری تلقی کنیم.

۳- تأکید بر کیفیت سبز زندگی اجتماعی در شهر به منظور فراهم کردن شرایط زندگی همراه با آرامش و امید است.»

به تعبیر پاسبان حضرت هر یک از سه برداشت پیش گفته از شهر سبز به تنهایی می‌تواند اهمیت داشته باشد؛ ولی به نظر او شهر سبز شهری است که رنگ‌های آرامش بخش، فضای سبز عمومی کافی و از همه مهم‌تر محیط انسانی آرام و بدون مزاحمت در آن وجود دارد و ارزش‌های انسانی و فضای خصوصی افراد مورد تعرض و تهدید قرار نمی‌گیرد.

طاهره ایزدی، کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی و عضو دوره اول و دوم شورای شهر همدان، از این منظر به شهر سبز می‌نگرد که بیشترین چشم انداز از نظر ساختار شهری درختان، مراتع، مزارع، کشتزارها و فضای سبز عمومی است و فضای حاکم بر شهرسازی به طور غالب از محیط طبیعی تبعیت می‌کند، به صورتی که خیابان‌ها و ساختمان‌ها با نوعی جبر در دل محیط ریشه دوانده‌اند. وی معتقد است: «وقتی صحبت از فضای سبز شهری به میان می‌آید، منظور روابط حاکم بر محیط طبیعی و محیط انسانی در مکان و زمان خاص مورد نظر است. از نظر من با توجه به عناصر روابط بین دو محیط در مکان و زمان فضای سبز شهری پایه شهر سبز است.»

نورالله صلواتی، معاون عمرانی شهرداری اصفهان، با توجه به نقش مهم مدیریت شهری در ایجاد فضای سبز و شهر سبز آن را این گونه تعریف می‌کند: شهر سبز به شهری اطلاق می‌شود که مدیریت شهری آن دست در دست شهروندان، زمینه ساز و برنامه ریز محیط زیست شهری باشد. بدین ترتیب خطرهایی هم که محیط زیست را تهدید می‌کنند به حداقل می‌رسند و قوانین زیست محیطی در آن شهر به انگیزه جلوگیری از اقدامات خودسرانه زیانبار برای محیط زیست به اجرا در می‌آید. در این میان تشکلهای مردمی نقشی سازنده تر از پلیس سبز یا محیط‌بان‌های دولتی دارند. مدیریت شهری در چنین شرایطی اقدامات همه فعالان و کسانی را که به نوعی برای حفظ محیط زیست تلاش می‌کنند، هماهنگ و همسو خواهد کرد.

فضای سبز شهری نوعی از سطوح کاربری زمین شهری با پوشش گیاهی انسان ساخت است که هم دارای بازدهی اجتماعی و هم دربردارنده بازدهی اکولوژیکی باشد

شهر سبز و تعامل اجتماعی

در کتاب «شهر همچون چشم انداز» چنین آمده است: «طراحی پارک و محیط سبز در شهر باید به گونه‌ای باشد که در بهبود کارکرد شهر مؤثر باشد.»

به نظر می‌رسد این تلقی از شهر سبز که پارک‌ها و فضاهای سبز عمومی باید متناسب با کارکردهای اقتصادی، اجتماعی شهر ایجاد شوند، نقطه شروع مناسبی برای طرح این پرسش مهم است که: آیا فضای سبز شهری به تنهایی می‌تواند بستر و زمینه ایجاد ارتباط و تعامل اجتماعی میان شهروندان را تأمین کند؟

محدود به انجام مناسک و مراسم آیین‌های مذهبی می‌شود. حتی پارک‌هایی عمومی نیز تا چند سال پیش دارای حصار بودند و عموم مردم در ساعات معینی می‌توانستند از آنها استفاده کنند. اکنون نیز موضوع ایجاد پارک ویژه جوانان یا بانوان و نظایر اینها مطرح است. تعیین این نگرش محدود در توسعه فضای سبز عمومی و به صورت کلان در ایجاد فضاهای

پاسبان حضرت معتقد است: «فضای سبز شهری نمی‌تواند به تنهایی نقش چندان پراهمیتی در ایجاد تعامل اجتماعی داشته باشد، زیرا نمی‌توان فضای سبز با کیفیت بالا، اما فاقد شرایط مؤثر و مناسب برای ارتباط شهروندان را بستر ساز تعامل اجتماعی تلقی کرد. فضای سبز می‌بایست در برگیرنده عناصری باشد که دست کم از نظر کالبدی زمینه تعامل اجتماعی را فراهم کند؛ نظیر ایجاد فضای سخنرانی، تجمع‌های سیاسی - اجتماعی، پذیرایی، نمایشگاهی، بازی و

شهر سبز نوعی هدف استراتژیک و راهبردی است و جهت‌گیری مدیران و برنامه‌ریزان شهری برای گسترش چنین فضاهای عمومی می‌تواند به ایجاد تعادل اکولوژیک در شهر بینجامد

ورزش و برگزاری جشن‌ها و مراسم محلی و ملی. با این همه باید خاطر نشان کرد که ارتباط و تعامل میان شهروندان حتی با وجود کالبد مناسب برای ارتباط نیز لزوماً صورت نمی‌گیرد، زیرا وجود شرایط و بسترهای مناسب فرهنگی و اجتماعی نیز در این میان ضروری است».

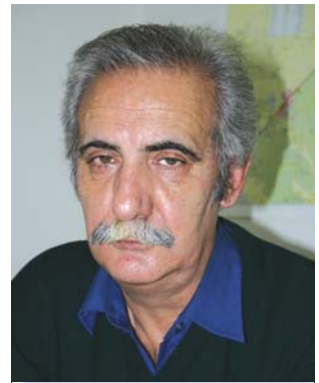
کیومرث مسعودی موضوع رابطه بین فضای سبز عمومی و ایجاد تعامل اجتماعی را از منظر دیگری بررسی می‌کند و خاطر نشان می‌سازد: «اساساً فضاهای سبز عمومی نظیر پارک‌ها برای جامعه ما موضوعی وارداتی است که طرح آن بر اواخر دوره قاجار و اجرای آن به دوره پهلوی دوم بازمی‌گردد». به نظر وی اشتباهی که در این میان رخ داده، این است که مدیریت شهری و برنامه‌ریزان و طراحان شهری پارک یا فضای سبز عمومی را به عنوان هدف در نظر گرفته‌اند، در حالی که گذشته تاریخی ما هیچ‌گاه باغ به خودی خود هدف نبوده بلکه شیوه و چگونگی آن هدف بوده است. به عبارت دیگر، پارک را می‌سازند تا درون آن فعالیت‌های فراغتی انسان شهرنشین صورت‌پذیرد و در خدمت فضای عمومی مورد نیاز فعالیت‌های جمعی شهرنشینان قرار گیرد. در تاریخ شهرنشینی ما مقوله‌ای

فضای سبز شهری نمی‌تواند به تنهایی نقش چندان پراهمیتی در ایجاد تعامل اجتماعی داشته باشد، زیرا نمی‌توان فضای سبز با کیفیت بالا، اما فاقد شرایط مؤثر و مناسب برای ارتباط شهروندان را بستر ساز تعامل اجتماعی تلقی کرد

به نام فضای عمومی که برای فعالیت‌های آزاد و دلخواه همه شهروندان از هر سن، جنس و قشر ایجاد شده باشد سابقه نداشته است. فضاهای شهری در ایران عمدتاً یا خصوصی بوده‌اند و یا حکومتی. حتی بازارهای بزرگ در شهرهای ما نیز برای فعالیت اقتصادی طراحی شده بودند. تنها در عرصه‌های فعالیت مذهبی است که مقوله‌ای به نام فضای عمومی به چشم می‌خورد؛ با این قید که دامنه کنش‌ها و ارتباط اجتماعی



غلامرضا پاسیان حضرت
طراح پارک‌های جمشیدیه تهران و کوه سنگی مشهد



کیومرث مسعودی
پژوهشگر امور شهری

عمومی نیازمند کار بسیار بر فرهنگ عمومی شهروندان و مدیران شهری است تا بتوان پذیرای فضایی بود که همه گروه‌های اجتماعی با همه تفاوت‌ها و تضادهای شان بتوانند آزادانه و فعالانه با یکدیگر ارتباط برقرار کنند تا الگوهای جدید رفتار اجتماعی تولید شود.

صلواتی معتقد است: «فضای سبز شهرها شریان حیات بخش هر شهروند است و بدون تردید توسعه فضای سبز شهرها با ایجاد نشاط در مردم و تضمین سلامتی آنها، بستر تعاملات اجتماعی آنان را گسترده‌تر می‌سازد. بنابراین یکی از وظایف مهم شهرداری‌ها حفظ و توسعه فضای سبز شهرهاست».

ظاهره ایزدی علاوه بر آنکه فضای شهری را تعیین کننده رفتارها و کارکرد شهروندان و الگو دهنده سیستم‌های رفتاری می‌داند، معتقد است: «برنامه‌ریزی مدیران شهری به طور مستقیم، رفتار شهری را تعیین می‌کند. فضای سبز به نوعی فضای تعامل اجتماعی به شمار می‌آید و نوعی ابزار محدودیت برای جلوگیری از گسترش شهر نیز هست؛ همچون پارک چیتگر». فضای سبز در عین حال به عنوان اقامتگاه گردشگران نیز کاربرد دارد و همچنین می‌تواند به عنوان محلی برای بازی کودکان یا پارکی برای ورزش در نظر گرفته شود؛ که هر یک از اینها در جایگاه فضای سبز شهری، تعاملات خاص خود را دارند.

فضای سبز می‌بایست در برگرفته عنصری باشد که دست کم از نظر کالبدی زمینه تعامل اجتماعی را فراهم کند

مدیریت شهری و فضاهای سبز شهری

به نظر راضیه رضازاده مدیران شهری باید سلسله مراتب فضای سبز شهری را اجرا کنند. فضای سبز شهری باید شبکه‌ای باشد متشکل از انواع فضاهای سبز، از پارک منطقه‌ای گرفته تا پارک شهری، پارک محله‌ای، لچکی‌های نقاط توقف و حتی ردیف درختان حاشیه پیاده‌روها که به هم متصل‌اند. به نظر وی، مدیریت شهری در ایجاد فضای سبز مقیاس را کم کرده است. پارک محلی به دلیل شدت نیاز و تراکم بالای جمعیت تبدیل به پارک شهری می‌شود، در حالی که پارک شهری به علت عدم دقت در مکان‌یابی و نوعی فعالیت آن به پارک محلی بدل می‌گردد. سلسله مراتب فضای سبز شهری که برای مدیران شهری مشخص کند به ازای هر چند پارک محلی یک پارک شهری، و به ازای چند پارک شهری یک پارک منطقه‌ای باید ایجاد شود تا فعالیت‌های مورد نیاز در آن صورت پذیرد، هنوز وجود ندارد.

از سوی دیگر مدیران شهری توجهی به ایجاد شبکه‌های سبز متصل به هم ندارند. برای مثال در شهر سیاتل آمریکا شبکه‌ای از پارک‌های عمومی به وجود آمده که به وسیله خط آهن مترو، که به مسیر پیاده روی و دوچرخه سواری تبدیل شده

است، به هم متصل گردیده‌اند. به دلیل خطی بودن شکل شهر شهروندان می‌توانند مسافت ۵۰ کیلومتری را با دوچرخه یا پیاده‌از پارکی به پارک دیگر حرکت کنند و اوقات فعال و سالمی را در داخل شهر بگذرانند.

پاسبان حضرت نیز معتقد است که مدیریت شهری باید نگرش خود را نسبت به فضاهای سبز عمومی بهبود بخشد و به نظر وی مدیریت شهرها فقط تکیه کردن بر قوانین و مقررات خشک نیست. اگر زیباترین و گران‌ترین مجموعه‌های فضای سبز و فضای گذران اوقات فراغت نیز به وجود آیند اما فضایی غیردوستانه و آمانه حاکم گردد قطعاً نیازهای شهروندان خسته و رنجور را پاسخ نخواهد داد. او کمبود فضاهای سبز عمومی در شهرها را ناشی از موارد زیر می‌داند:

« - فقدان نگرش به شاد بودن و فعالیت دلخواه و آزاد شهروندان در فضای سبز؛

- فقدان طراحی‌های مناسب با محیط و مقیاس فضای سبز؛
- فقدان طراحی و ایجاد تمهیدات لازم برای گذران اوقات فراغت؛ و

- بی‌توجهی به نقش مهم مشارکت مردم شهر در برنامه‌ریزی و اداره مجموعه‌های عمومی شهری».

به نظر کیومرث مسعودی، «در زمینه برنامه‌ریزی شهری یکی از وظایف طرح‌های جامع و تفصیلی که بر عهده شهرداری بوده، ایجاد شبکه ارتباطی و در کنار آن ایجاد فضای سبز است. با این حال در عمل مدیران شهری به دلیل ارزش قیمت زمین، زمین‌های به درد نخور یا لچکی‌های بدون مالک را بدون توجه به موقعیت آنها در ساختار شهر، به فضای سبز تخصیص داده‌اند. برنامه‌ریزان و مدیران شهری برای فضای سبز اهمیت ویژه قائل نبودند، به این معنا که پیش از تعیین کاربری‌های دیگر فرضاً بگویند در این منطقه به فضای سبز نیاز است و در کجا و در چه مقیاس ایجاد شود. اینکه میانگین سرانه بگیریم و ادعا کنیم ۱۵ متر مربع فضای سبزی شهری داریم، مشکلی را حل نمی‌کند. می‌توان گفت که جانمایی فضای سبز در شهرها، فاقد ضابطه است.

امروزه در شهر تهران پارک‌های ملت و لاله در مکان نسبتاً مناسبی در شهر قرار گرفته‌اند، لیکن در زمان احداث در کنار شهر تهران قرار داشتند. حتی در سال‌های اخیر عمده پارک‌ها یا در حد فاصل تهران قدیم و شهر ری احداث شده‌اند یا در حد

برنامه‌ریزی مدیران شهری به طور مستقیم، رفتار شهری را تعیین می‌کند. فضای سبز به نوعی فضای تعامل اجتماعی به شمار می‌آید و نوعی ابزار محدودیت برای جلوگیری از گسترش شهر نیز هست

فاصل تهران قدیم و شهر ری و اراضی مزروعی، بوستان‌ها و جالیزهایی که تبدیل به پارک شده‌اند، یا در حاشیه آزاد شده بزرگراه‌ها. در واقع زمینی که مطلوبیت مسکونی ندارد یا حتی کاربری شهری دیگری را ندارد، به فضای سبز اختصاص داده

سبز شهری است. برای مثال، وقتی از سال ۱۳۷۵ ضوابط ساخت و ساز در باغ‌ها به صورت کاملاً یکسویه و با نگاه از بالا به پایین بدون توجه به فرهنگ استفاده از باغ در شهرها به وسیله وزارت مسکن و شهرسازی صادر شد، به ناگاه بیش از پیش باغ‌ها در شهرها تخریب شدند». به نظر وی، ایجاد شرایط بهره‌مندی مردم از محصولات باغی و زراعی و دادن امکانات

می‌شود. از سوی دیگر، منظور از سرانه فضای سبز شهری، سرانه مفید فضاهایی است که برای مردم کارکرد حرکتی و اجتماعی داشته باشد، نه سرانه بیولوژیک که شامل کلیه سطوح سبز است».

از دیدگاه وی، فضای سبز از سه جنبه در شهرسازی مطرح است:

«الف - جنبه اکولوژیکی که خلأ تعادل اکولوژیکی از دست رفته را جبران کند؛

کمبود فضاهای مناسب برای تأمین این نیازها و عدم رعایت مقیاس بهره‌برداری در احداث و توسعه فضاهای سبز جدید منجر به افزایش تراکم رفتاری در این فضاها می‌گردد

ب - عنصر سیمای شهری و تأثیر آن در منظر شهر؛ و
ج - جنبه تفرجی و اجتماعی که اکنون مهم‌ترین کارکرد فضاهای سبز عمومی شده است».

مدیریت شهری باید با در نظر گرفتن این ویژگی‌ها و نظام سلسله مراتب فضای سبز شهری و توجه به وضعیت اقلیمی، اندازه جمعیت و توسعه شهر اقدام به احداث پارک‌ها و فضاهای سبز شهری کند.

ظاهره ایزدی نگاه صرف به فضای سبز شهر را از دید رفع نیازهای زیست محیطی، نگاهی کوتاه بینانه و ضعیف می‌داند و معتقد است: «باید دیدگاه کلی نگر و همه جانبه نگر به این مقوله داشت. الزام وجود فضای سبز در تمام طول تاریخ یک جا نشینی و مدنیت - از تشکیل آبادی‌ها تا شهرهای بیلاقی - کاملاً واضح است.

حال با نگاه جدید به شهرها علاوه بر الزامات قبلی، نگرش جدید در بهره‌برداری از فضای سبز و ایجاد گسترش فضای سبز به صورت جهت‌مند در مسیر توسعه پایدار، خود یک اصل است. برای مثال در ۵۰۰ شهر اروپایی، همزمان طرح ادغام فضای عمومی طرح گردید، به این صورت که کلیه فضای سبز اختصاصی ادارات، دستگاه‌ها، موزه‌ها، کاخ‌ها و دانشگاه‌ها به طور یک جا به فضای عمومی شهر اضافه شد. در نتیجه این اقدام میزان زمان خروج از منزل و استفاده شهروندان از فضای عمومی به شدت افزایش یافت، که این می‌تواند الگوی مناسبی برای کشور ما باشد». وی می‌افزاید: «اجازه بهره‌وری مناسب به مالکان، از راه‌های مدیریت صحیح شهری در زمینه فضای

همان‌طور که برای دستیابی به شهر سبز به اضافه کردن برخی عناصر نیاز است، در مقابل برخی از عناصر مزاحم نیز که سیمای شهری را مخدوش می‌سازند و بهداشت روانی شهروندان را دچار مخاطره می‌کنند، باید حذف گردند



نورالله صلواتی
معاون عمرانی شهرداری اصفهان



مناسب برای حفظ و ارزشمند کردن این املاک، امری ضروری است. جلوگیری از تخریب قنات‌های شهری و پیشگیری از آلوده شدن رودخانه از سرریز فاضلاب می‌تواند در زمره راهکارهای مدیریت شهری برای دستیابی به شهر سبز باشد. به نظر وی، در کنار این واگذاری، نگهداری فضای سبز شهر در مجاورت منازل مسکونی و اهدای سالیانه گل و درخت به طور

فضای سبز شهری باید شبکه‌ای باشد متشکل از انواع فضاهای سبز، از پارک منطقه‌ای گرفته تا پارک شهری، پارک محله‌ای، لچکی‌های نقاط توقف و حتی ردیف درختان حاشیه پیاده‌روها که به هم متصل‌اند

رایگان به شهروندان نیز راهکاری مؤثر به شمار می‌آید؛ زیرا در جایی که درصد زیادی از شهروندان از تأمین نیازهای اولیه زندگی محروم‌اند و قادر به هزینه کردن در این امر نیستند، این سیاست به نوعی حفظ فضای سبز عمومی را نیز در پی دارد. وی همچنین معتقد است: «در طراحی فضای سبز صرفاً به عملیات‌های عمرانی بسیار سنگین پرداخته می‌شود و با کاستن از کیفیت محیطی و بدون توجه به شرایط زیست محیطی، اقدام به ایجاد فضای سبز شهری می‌گردد». به اعتقاد صلواتی، پارامترهای مدیریت شهری برای ایجاد فضای سبز، عبارت‌اند از:

«تدوین اهداف و سیاست‌های مورد نیاز توسعه و عمران شهری و نحوه استفاده از اراضی و فضاهای شهری، با رعایت کاربری زمین به عنوان موضوع محلی و امکان مدیریت آن در طرح؛ ارائه طرح به اقتضای میزان مداخله؛ تأکید بر انعطاف‌پذیری، پویایی و اصلاح‌پذیری طرح‌های توسعه شهری و تجدید نظر در طرح به وسیله مسئولان محلی؛ توجه به طراحی شهری، با هدف اعتلای کیفیت محیط شهری، پایداری محیط و ارزش‌های آن؛ در نظر گرفتن چشم‌انداز تدوین شده به جای پیش‌بینی در خصوص آینده‌نگری و تحلیل؛ تهیه طرح

خدمات رفاهی شهری براساس نیاز و نه روابط هندسی؛ و نظایر اینها. توجه به نکات پیش گفته می‌تواند مجموعه شهر سبز را پدید آورد». وی در این باره می‌افزاید: «در طراحی‌های شهری، مطالعه طرح تفصیلی و اجرای پروژه‌های خیابان سازی لازم است بین خیابان‌های آسفالتی تا بدنه مسکونی حتماً فضای سبز لازم پیش‌بینی گردد. این امر در کشورهای پیشرفته به طور جدی مورد توجه قرار می‌گیرد. چنین چیزی اخیراً در برخی شهرهای ایران همچون شیراز، در اکثر خیابان‌های تازه ساز پیش‌بینی شده و به اجرا درآمده است».

توسعه فضای سبز عمومی

به نظر مسعودی، توسعه فضای سبز عمومی توسعه فضای سبز و شکل‌گیری فضای عمومی جزئی از یک سیستم است که در خدمت ارتقای کارکردهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهر است. به عبارت دیگر مدیران شهری باید پیامد فعالیت توسعه فضای سبز شهری را در افزایش کارایی شهر و تحرک بیشتر فعالیت‌ها مشاهده کنند تا این سیستم با دریافت بازخورد مناسب، بهبود یابد. اما متأسفانه اینان توجه به ایجاد چنین فضاهای سبزی را در حاشیه برنامه‌های اجرایی خود قرار می‌دهند و به همین دلیل نیز این فضاها بدون رعایت مقیاس و سلسله مراتب در هر جایی که زمین خالی یافت شود - چه زمین کوچک باشد و چه بزرگ - احداث می‌گردند و به دنبال آن نیز تجهیز این گونه فضاها با مشکل مواجه می‌شود.

به نظر وی مشکل مهم دیگر این است که مسئولیت تأمین این فضاها را بر عهده شهرداری گذاشته شده است، بدون آنکه منابع لازم برای خرید این زمین‌ها و تجهیز آنها را به شهرداری داده باشند. این فضاها متعلق به همه اعضای جامعه شهری است و مورد استفاده تمام شهروندان، گروه‌ها و مؤسسه‌های دولتی و خصوصی قرار می‌گیرد. بنابراین باید همه شهروندان، نهادهای مدنی، سازمان‌های خصوصی و دولتی در تأمین این فضاها مشارکت داشته باشند.

در نگاه اقتصادی به احداث فضای سبز باید نتایج مثبت آن را در بهبود کارکرد شهری در نظر گرفت و به آن ارزش اقتصادی، داد، نه اینکه صرفاً به بهره‌وری انتفاعی از فضای

سلسله مراتب فضای سبز شهری که برای مدیران شهری مشخص کند به ازای هر چند پارک محلی یک پارک شهری، و به ازای چند پارک شهری یک پارک منطقه‌ای باید ایجاد شود تا فعالیت‌های مورد نیاز در آن صورت پذیرد، هنوز وجود ندارد

سبز اندیشید. پاسبان حضرت به موضوع قوانین و حقوق مالکیت فردی و جمعی اشاره می‌کند و می‌افزاید: «متأسفانه به علت ضعف قوانین حمایت‌کننده از شهروندان، یعنی ضعف قوانین مالکیت جمعی بر اراضی شهری، زمین‌چندانی برای اختصاص به فضای سبز باقی نمانده است و به علت گرانی زمین ایجاد فضای سبز جدید بسیار پرهزینه و خارج از توان

براساس نیازهای کلی و عام با تأکید بر اهداف اجتماعی و فرهنگی، مانند کیفیت زندگی و عدالت اجتماعی؛ تعیین الگوهای کلیت شهر، ساختار و پیکربندی شهری، الگوی عمومی کاربری زمین و فضا، الگوی استخوان‌بندی شبکه ارتباطی فضای سبز و باز، مراکز فراغت و فرهنگی تفریحی؛ ارائه الگوهای کلی نظام سلسله مراتب توزیع و تسهیلات و

شهرداری‌هاست. و از سوی دیگر، در بسیاری از شهرهای کشور بزرگ‌ترین فضاها و اراضی شهری که می‌توان آنها را به فضای سبز تبدیل کرد به تصرف کاربری‌های غیرلازم شهری -از جمله کاربری نظامی- درآمده است.

ظاهره ایزدی در زمینه توسعه فضای سبز شهری اولین مشکل را انتخاب کاربری در سطح شهر بدون در نظر گرفتن شرایط محیطی می‌داند و معتقد است: «بسیاری از کاربری‌های پیش‌بینی شده، قابلیت تبدیل به فضای سبز را ندارند و با هزینه هرچقدر هم سنگین، بهره‌وری ضعیفی دارند. از حیث دسترسی و امنیت و مساحت نیز چنین است. به علاوه، از حیث نوع کاربری پیش‌بینی شده در طرح‌های تفصیلی نیز تعمیم‌بندی صحیحی صورت نگرفته است». به اعتقاد وی، تمام کاربری‌ها باید با علامت خاص از جنبه کارکرد مشخص شوند؛ مثلاً پارک محله‌ای، پارک منطقه‌ای، پارک حاشیه‌ای، فضای سبز عمومی خصوصی، فضای سبز حفاظت‌شده، فضای سبز خصوصی و نظایر اینها. با توجه به این تقسیم‌بندی نوع دسترسی و مساحت و کیفیت محیطی و در نظر گرفتن قسمت‌های مختلف در طراحی بدون پیچیدگی، کمک شایانی در بهداشت روانی شهر است. دیگر اینکه فضای عمومی باید دارای شرایطی باشد که امنیت شهروندان را کاملاً برقرار سازد، زیرا هر گونه تخلف در این فضاها به طراحی و مدیریت آن بر می‌گردد.

صلواتی برای توسعه شهر سبز توجه به این نکات را متذکر می‌شود: «احداث و ایجاد شبکه پیشرفته جمع‌آوری و تصفیه فاضلاب شهری، جمع‌آوری و دفع بهداشتی زباله‌های شهر، تلاش در ایجاد آسایش صوتی برای شهروندان به ویژه هنگام کار و استراحت، احداث پارک‌ها و فضای سبز مناسب، که شهروندان را ترغیب به گذراندن اوقات فراغت آنان در شرایط مناسب و مطلوب سازد، ایجاد شرایط مناسب به منظور بهره‌مند شدن شهروندان از آب و هوا و خاک سالم در مسیر زندگی، حاکم کردن قوانین راهنمایی و رانندگی به منظور تضمین عبور پیاده‌ها از مکان‌هایی که حق عبور با آنهاست، ایجاد فضاهای تفریحی و ورزشی در نقاط مختلف شهر و نگهداری از آنها؛ و نظایر اینها». وی همچنین معتقد است: «زمانی که شرایط مذکور فراهم گشت، نیازهای اجتماعی و بهداشت روانی جامعه تأمین می‌شود و بیشترین سهم مسئولیت در این امر متوجه متفکران شهرساز، سازمان‌های طراحی، مدیریت شهر و نظایر آن است». وی می‌افزاید: «اگر اعتقاد داریم که محیط زیست سالم از مشخصه‌های شهرهای توسعه یافته است، باید توجه داشت که برای داشتن محیط زیست سالم در شهرها باید همواره سنجش و ارزیابی درستی از نیازمندی‌های شهر در دست داشت و برنامه‌ریزی جامع باید براساس نیازمندی‌های آشکار و پنهان صورت پذیرد. نیز باید تأکید کرد که توسعه فضاهای سبز شهری باید توزیعی عادلانه داشته باشد و همه مردم شهرها در هر نقطه‌ای که سکونت دارند، از فضای مناسب شهر سبز بهره‌مند گردند. از طرفی، اگر توسعه فضای سبز همراه با روند رشد و گسترش شهر انجام نشود، تردیدی نیست که شهر تدریجاً راه زوال را خواهد پیمود.

پس اگر به شهر به عنوان باشکوه‌ترین اثر تمدن و نماد جاودانه و شگفت‌انگیز خلاقیت انسان نگاه کنیم، نباید بگذاریم دستخوش تحولاتی گردد که به محیط زیست آن زیان وارد گردد. برای دست یافتن به چنین هدفی هم جلب مشارکت مردم در هر امری که بقای محیط زیست شهر را تضمین کند گام مؤثری است. مدیریت شهرها ضمن واگذاری امور مربوط به جمع‌آوری و حمل زباله‌ها، ضایعات فضای سبز و نظایر اینها به بخش خصوصی، می‌بایست نظارت بر انجام وظایف و کنترل بر نظافت و امور بهداشتی همه نقاط شهری و نظایر آن را در کنار برنامه‌ریزی‌های ساختاری برای شهر در نظر بگیرد و همواره پیگیر آن باشد».

نهایتاً باید این نکته را متذکر شد که نیازهای فضای فراغتی و تفریحی در سطح شهرهای ما رو به افزایش است. کمبود فضاهای مناسب برای تأمین این نیازها و عدم رعایت مقیاس بهره‌برداری در احداث و توسعه فضاهای سبز جدید منجر به افزایش تراکم رفتاری در این فضاها می‌گردد. برای مثال، احداث پارک در محلی دور از دسترس موجب تجمع فعالیت‌های ناسالم در آن می‌گردد. فقدان پارک شهری مناسب در منطقه شهری باعث هجوم استفاده‌کنندگان به پارک‌های محله‌ای و ایجاد مزاحمت برای ساکنان می‌شود. در یک پارک محله‌ای که مادری فرزند دو ساله‌اش را برای یادگیری ارتباط با طبیعت به فضاهای پارک آورده است، دوچرخه‌سوار و موتورسوار هم حرکت می‌کنند. اگر مکانی برای دوچرخه سواری وجود داشته باشد، می‌توان از ورود آنها به پارک محله‌ای ممانعت به عمل آورد. این موضوع را از نظر اجتماعی می‌توان در مقوله آسیب شناسی اوقات فراغت قابل بررسی کرد.

مسعودی در توضیح این مطلب چنین می‌افزاید: «شکل‌گیری فضای عمومی، جزئی از یک سیستم است که به نام فضاهای گذران اوقات فراغت طرح می‌گردد. وقتی در شرح خدمات طرح‌های شهری این موضوع به عنوان عنصری منفک و منفرد دیده می‌شود، احداث فضای سبز تنها راه حل تأمین فضای فراغتی شهروندان محسوب می‌گردد؛ در حالی که عناصری چون زمین ورزش محله‌ای، کتابخانه محله‌ای، نمایشگاه یا بازار مکاره و بسیاری فضاهای دیگر در مجموع فضاهای گذران اوقات را تشکیل می‌دهند که فضای سبز یکی از عناصر این مجموعه است. لذا تأمین نیازهای اجتماعی شهروندان نیازمند توسعه کلیه فضاهای مرتبط با این امر است. راضیه رضازاده در تکمیل موضوع می‌افزاید: «همان طور که برای دستیابی به شهر سبز به اضافه کردن برخی عناصر نیاز است، در مقابل برخی از عناصر مزاحم نیز که سیمای شهری را مخدوش می‌سازند و بهداشت روانی شهروندان را دچار مخاطره می‌کنند، باید حذف گردند. از آن جمله می‌توان به نصب بی‌قاعدۀ تابلوهای مختلف در نمای خیابان‌ها و بیلبردهای خارج از مقیاس حاشیه بزرگراه‌ها اشاره کرد که بسیاری از آنها صرفاً با تقلید سطحی از غرب به فضاهای شهر اضافه شده‌اند، بدون آنکه کارکرد آنها در شهر به درستی مورد توجه قرار گیرد.